

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله تک‌نگاشت‌های
الگوی اسلامی ایران پیشرفت

مبانی و راهبردهای جامعه پیشرفته و توسعه‌یافته اسلامی

مهر ماه ۱۳۹۴

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی:

باید در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت
بر چهار عرصه‌ی فکر، علم، معنویت و زندگی تکیه شود
که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه‌ی عرصه‌ها است

در دیدار اعضای شورای عالی
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۱۳۹۱/۱۲/۱۴

سرشناسه	: نبوی، سیدعباس، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: مبانی و راهبردهای جامعه پیشرفته و توسعه یافته اسلامی / سیدعباس نبوی.
مشخصات نشر	: تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۶۸ ص: مصور، جدول، نمودار.
فروست	: سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: ۵۳.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۱۱-۴۰-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: پیشرفت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: جامعه‌شناسی اسلامی
موضوع	: انسان (اسلام)
شناسه افزوده	: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت
رده بندی کنگره	: BP۲۳۰/۲/۱۸م۲ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۸۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۵۲۹۴۲

سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:
مبانی و راهبردهای جامعه پیشرفته و توسعه یافته اسلامی

نگارش: حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید عباس نبوی (مدیر مؤسسه پژوهشی فرهنگی تمدن و توسعه اسلامی)

ناشر: نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نوبت چاپ: اول، مهرماه ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۱۱-۴۰-۱

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۰۱۴۶۴۸ - ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸

www.olgou.ir

Email:olgou@olgou.ir

نشانی: تهران، خیابان جلال آل احمد، روبه‌روی بیمارستان شریعتی، شماره ۳
تمامی حقوق این اثر متعلق به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.
مسئولیت دیدگاه‌های بیان شده در این تک‌نگاشت بر عهده مؤلفان محترم است.

پیشگفتار

تعیین مبانی، ارکان، چارچوب و مسیر پیشرفت کشور در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید با مشارکت گسترده و حضور همه جانبه دانشمندان، محققان، نخبگان دانشگاهی و حوزوی و جوانان این مرز و بوم صورت گیرد. به گواه تاریخ و تجارب گذشته، پیشرفتی همه‌جانبه و پایدار خواهد بود که مبانی اسلامی و اقتضائات ایرانی در آن توأمان مورد توجه باشد.

اینک مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در آستانه اتمام سه سال تلاش‌های علمی، تخصصی و فکری درباره پیشرفت اسلامی ایرانی، برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی، تاسیس اندیشکده‌های مرکز، انتشار صدها مقاله ارزشمند و تهیه نقشه راه تدوین الگو و انجام برخی از مراحل آن، در نظر دارد با هدف تولید دانش و گسترش و تعمیق ادبیات موضوعی در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آثاری را به‌صورت تک‌نگاشت‌های علمی فاخر منتشر نماید.

تک‌نگاشت نوشتاری تخصصی و نیمه‌مبسوط است که توسط یک پژوهشگر خبره در یک موضوع خاص نگاشته می‌شود. تک‌نگاشت از نظر حجم و محتوا حد فاصل مقاله و کتاب است و نویسنده با پردازش و تحلیل یافته‌ها و مطالعات تخصصی پیشین و افزودن یافته‌های پژوهشی جدید خود و تحلیل جامع و منسجم آنها افق‌های تازه‌ای را در زمینه مورد بررسی می‌گشاید.

سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در مجلدات مختلف منتشر می‌شوند، حاصل تلاش جمعی از استادان، اندیشمندان و محققان دانشگاهی و حوزوی است که مراحل مختلف نگارش، ارزیابی، ویراستاری، تدوین و انتشار را با نظارت متخصصان و اهل فن گذرانده است و در اختیار صاحب‌نظران قرار می‌گیرد. در پایان از مساعدت‌ها و تلاش‌های ارزنده نویسندگان تک‌نگاشت‌ها و داوران و مراکز مختلف علمی و پژوهشی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این سلسله یاری رساندند، تقدیر و تشکر می‌شود. امید است این محتوای علمی بتواند افق‌های نو و روشنی را در پیش چشم متخصصان دانشگاهی و حوزوی بگشاید و هر روز در طی مسیر تدوین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گام‌های بلندتر و استوارتری برداشته شود.



فهرست

۵	خلاصه
۸	مقدمه
۱۴	انسان‌شناسی، سنگ بنای اندیشه و رفتار اجتماعی
۲۰	رابطه متقابل انسان و جامعه مطلوب
۲۵	مرکب فرد و جامعه؛ سه درجه از پیوستگی
۳۲	نظریه‌های انسان و جامعه مطلوب
۳۳	ماهیت انسان
۳۵	ماهیت جامعه
۳۸	ابعاد و مختصات انسان
۳۹	ابعاد و مختصات جامعه
۴۷	مبانی نظام رفتاری انسان و جامعه از دیدگاه اسلام
۴۹	جامعه مترّف
۵۰	جامعه مستضعف
۵۲	جامعه متعادل
۵۵	راهبردهای جامعه پیشرفته و توسعه یافته اسلامی
۵۶	عرصه اقتصاد
۵۷	عرصه سیاست
۵۹	عرصه فرهنگ و تعلیم و تربیت
۶۰	عرصه خانواده
۶۲	عرصه حقوق
۶۳	عرصه دفاع و امور نظامی
۶۶	منابع

خلاصه

۱. برخلاف انسان‌شناسی‌های تک بعدی و محدود فلاسفه و متفکران اجتماعی قدیم و جدید، ادیان الهی و خصوصاً دین اسلام را می‌توان در یک تعبیر کوتاه و رسا، ادیان «انسان‌ساز» نامید. در کتب مقدس آسمانی و خصوصاً قرآن کریم، توجه اصلی معطوف به معرفی ماهیت و ابعاد انسان و هدایت انتخاب گرانه اوست.

۲. در تبیین رابطه فرد و جامعه، همواره سه نظریه عمده مطرح شده‌اند: نظریه نخست، فرد را اصیل می‌داند و جامعه را بازتابی اعتباری از تجمع افراد تلقی می‌کند. نظریه دوم به عکس نظریه اول، جامعه را محور و اصل قرار می‌دهد و همه تحولات فردی و اجتماعی را بازتاب ابعاد و مختصات جامعه تلقی نموده و هر کنش و واکنش فردی انسان‌ها را نیز به نوعی به ابعاد اجتماعی تحویل می‌کند. نظریه سوم، برای هر انسانی دو هویت قائل است: یکی «هویت فردی» و دیگری «هویت جمعی»؛ به گونه‌ای که این دو هویت در قالب مرکبی حقیقی نقش جزء و کل واقعی را ایفا می‌کنند. در مورد سه نظریه مذکور، این اظهار نظر به سهولت قابل ارائه است که با پیچیدگی ابعاد حیات انسانی، هیچ دانشمندی در جهان امروز نمی‌تواند دفاع معقولی از نظریه اول و تحویل همه ابعاد اجتماعی انسان به ابعاد فردی او ارائه نماید، همچنان که دفاع معقول از نظریه دوم و تحویل همه ابعاد فردی به ابعاد اجتماعی نیز قابل ارائه نیست.

۳. با مفروض گرفتن ماهیت ترکیبی فرد و جامعه، لازم می‌آید طبقه‌بندی دقیق و واقع‌بینانه‌ای نسبت به درجه پیوستگی انسان و جامعه ارائه شود و انواع جوامع انسانی از این حیث طبقه‌بندی گردند. با ملاحظه درجه پیوستگی جوامع انسانی در سه اندازه: کم، متوسط و زیاد، سه درجه از پیوستگی مزبور را با عناوین: «جوامع انضمامی»، «جوامع تألیفی» و «جوامع ترکیبی»، طبقه‌بندی و نامگذاری می‌کنیم.



۴. در جوامع انضمامی، درجه پیوستگی فرد و جامعه در اندازه حداقل مورد نیاز حیات فردی و اجتماعی قرار می‌گیرد و روابط پیوسته میان عرصه‌ای وجود ندارد. تفاوت عمده جوامع تألیفی نسبت به جوامع انضمامی این است که در جوامع تألیفی، عرصه‌های اجتماعی در درون خود سازوکاری فراگیر با هدفمندی کلان دارند و روابط درون عرصه‌ای، نه در اندازه حداقل، بلکه در اندازه وسیع و سریع جریان دارد و مجموع این روابط در هر عرصه، به سوی مسیری فراگیر و کلان شکل می‌گیرد. در جوامع ترکیبی: اولاً، روابط درون عرصه‌ای به صورت پیوسته و منسجم و در جهت هدفمندی کلان تعریف و ترسیم می‌شوند؛ و ثانیاً، مجموع عرصه‌ها، تأثیر و تأثر و روابطی پیوسته و منسجم می‌یابند و در نهایت الگوی کلان و فراگیر همه عرصه‌ها را شکل می‌دهند.

۵. در مرحله بعد، تبیین «ماهیت انسان»، «ماهیت جامعه»، «ابعاد و مختصات انسان» و «ابعاد و مختصات جامعه» ضرورت دارد. در نظریه رایج و غالب غربیان، جوهره و ماهیت انسان، «استعدادها و غرائز مادی» اوست. در این نگرش، استعدادها و غرائز و خواسته‌های مادی انسان اصل می‌شود و بنیان فلسفی «اصالت فرد» شکل می‌گیرد. در نظریه رایج دانشمندان اسلامی، ماهیت انسان همان «هسته باطنی» اوست که «فطرت» نامیده می‌شود و نقش اصلی و محوری در تنظیم حیات انسانی و بکارگیری قوای عقلانی و تجربی و استمداد از کلام و حیانی ایفا می‌کند. ماهیت «غریزه‌محوری» انسان در دیدگاه رایج دانشمندان غربی، نتیجه‌اش شکل‌گیری جامعه‌ای با هویت و ماهیت «سودجویی» است. مفروض صریح قرآن کریم که از حد نظریه پردازان دانشمندان اسلامی فراتر رفته و به اجماع اسلامی راه یافته، برآمدن جامعه‌ای «هدایت‌طلب» و «عدالت‌خواه» از تجمع انسان‌های «فطرت‌محور» است.

۶. جامعه در مفهوم غربی‌اش، تک بُعدی، لذت جو و طالب نفع و بهره مادی است و مفهوم و جهت‌گیری اصلی اراده «زندگی» را در «مصرف» مواهب و امکانات مادی خلاصه می‌کند، در نتیجه، «سلامت» را «توازن مادی»، «کمال» را «انسجام قوی و متوازن مادی»، «رشد» را «افزایش بهره‌مندی مادی» و «سعادت» را «رسیدن به بالاترین حد بهره‌مندی مادی» تفسیر می‌کند.

جامعه در تفسیر اسلامی‌اش، آرمان‌گرا، هدفمند و دارای گذار جامع و کل‌گرایانه به سوی تحصیل شاخصه‌های رشد و کمال است و مسیر حرکت خود را به سوی تکامل اجتماعی

همه جانبه سوق می‌دهد و با قرار دادن عقلانیت و تجربه در خدمت آرمان‌ها و ارزش‌ها و مسیر همه جانبه حیات اجتماعی انسان‌ها، همواره خود را نیازمند رهبران هدایت‌گر می‌بیند و از الگوها و اسوه‌ها تبعیت می‌کند.

۶. از منظر قرآن کریم، «اتراف»، «استضعاف» و «عدالت»، سه رکن پایه رفتار فردی و اجتماعی انسان‌هاست. در عرصه مفاهیم اقتصادی، این سه رکن به سه واژه معروف دین اسلام یعنی «اتراف» اقتصادی = «استغناء»، «استضعاف» اقتصادی = «فقر» و «عدالت» اقتصادی = «قسط» تحویل می‌شود که سه رأس مثلث رفتار اقتصادی انسان و جامعه از دیدگاه اسلام را تشکیل می‌دهند (استغناء، قسط، فقر). در جامعه‌ای که برخی عرصه‌هایش به اتراف آلوده شده، در این عرصه‌ها، توصیه قرآن برای توسعه نظام رفتاری انسان و جامعه، همانا بازداشتن انسان‌های مترف از مسیر غوطه‌وری مطلق و بی‌قیدشان است. در جامعه اسلامی، جهت‌گیری اجتماعی به سوی محو خط «اتراف - استضعاف» و تشکیل «محور تعادل» است و پیکان رشد و توسعه در جهت تعادل قرار دارد.

۷. راهبردی الگوی پیشرفت و توسعه اسلامی بر مبانی زیر استوار است:

اول؛ جامعه اسلامی در الگوی پیشرفت خود، باید حداقل رفاه لازم را برای یکایک افراد فراهم نماید. این حداقل شامل مسکن متعارف و درآمد‌گذاران معیشتی متعارف در هر شهر و منطقه می‌باشد. رسیدن به چنین حداقلی برای همه، نیازمند برنامه‌ریزی در دو بخش «تولید ثروت» و «توزیع ثروت» به صورت مقارن و همزمان است.

دوم؛ سیاست در جامعه اسلامی توسعه یافته، تابعی از مشارکت عمومی در جهت ترویج و تحقق آموزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اسلام است و نتیجه آن در مسیر تسریع رشد فرهنگی، علمی و اجتماعی به کار گرفته می‌شود. بدین لحاظ، رهبری و هدایت جامعه به سوی معیارهای اجتماعی اسلام و تحقق عینی و خارجی آموزه‌های اسلامی مبتنی بر مشارکت گسترده عامه مردم در تولید و توزیع و ساختار قدرت، از مهم‌ترین مسائل و کارویژه‌های سیاست در جامعه اسلامی به شمار می‌آید.

سوم؛ عرصه پیشرفت جامعه اسلامی در عرصه فرهنگ و تعلیم و تربیت، باید کاوش در آداب و رسوم دینی و تنظیم نظام تعلیم و تربیت اسلامی را در مرکز توجه خود قرار داده و اصول رفتار اجتماعی و مبانی تربیتی و رویکردهای اصلی تعلیمات مورد نیاز جامعه را، با چنین نگرشی برنامه‌ریزی کند.



چهارم؛ خانواده بنیان جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد و در آموزه‌های دینی از چنان اهمیت و تأکیدی برخوردار است که در امور اجتماعی دیگر، کمتر می‌توان نظیر توصیه‌های دین اسلام درباره آن را سراغ گرفت. قرآن کریم، خانواده را به عنوان بنیان آرامش و تبادل عواطف پائینی معرفی می‌کند و جامعه اسلامی را به توسعه و ترویج و تحکیم بنیان‌های آن فرامی‌خواند.

پنجم؛ پیشرفت و توسعه حقوقی در جامعه اسلامی، نیازمند تبیین و تدوین نظام جامع حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی از دیدگاه اسلام و برنامه‌ریزی بر اساس آن است و در جهت تنظیم روش‌های تحقق عینی و واقعی نظام مزبور گام برمی‌دارد.

ششم؛ پیشرفت و توسعه دفاعی و نظامی در جامعه اسلامی، برخلاف نمونه‌های تجربه شده غربی، نمی‌تواند توسعه تسلیحاتی صرف باشد و تکیه بر ابزار و آلات نظامی را محور حرکت خود قرار دهد، بلکه باید توسعه‌ای در دو بخش نیروهای مجاهد و مؤمن و ثابت قدم و استوار و نیز ابزار و ادوات نظامی کارآمد و کافی، هر دو و همزمان باهم باشد. از زاویه نگرش قرآن کریم، وجود دومی بدون اولی نتیجه بخش نیست و فایده‌ای دربر ندارد، اما با داشتن نیروهای مجاهد و استواری که تا آخرین لحظه و آخرین سنگر می‌ایستند و مقاومت می‌کنند، همواره راه پیروزی باز است.

مقدمه

«ای انسان! تو با سعی و تلاش پرمشقت به سوی خدایت می‌روی و سپس او را ملاقات خواهی کرد.^۱ خداوند خلقت انسان را از خاک آغاز کرد سپس نسل انسان را از آبی صاف و بی‌ارزش قرار داد.^۲ انسان از گلی خشک همچون گل کوزه‌گری آفریده شد.^۳ انسان از خون بسته‌ای آفریده شد.^۴ انسان از نطفه‌ای آفریده شد.^۵ انسان ضعیف آفریده شد.^۶ انسان حریص آفریده شد.^۷ انسان بر خوی شتابگری آفریده شد.^۸ آیا انسان نمی‌اندیشد که ما او

۱- «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ أُنْكِرْ كَادِحًا إِلَى رَبِّكَ فُلَاقِيهِ» (انشقاق/۶).

۲- «بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» (سجده/۷).

۳- «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» (رحمن/۱۴).

۴- «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ» (علق/۲).

۵- «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ» (نحل/۴).

۶- «خَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا» (نساء/۲۸).

۷- «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا نَسَهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا نَسَهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا» (معاارج/۲۱-۱۹).

۸- «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَجَلٍ» (انبیاء/۳۷).